

فاصله زیاد میان دستمزد و واقعیت بازار

گزارش جاب‌ویژن از بیش از ۱۰۰ هزار شاغل نشان می‌دهد بازار کار ایران با وجود اشتغال گسترده، همچنان با بحران ناپایداری معیشتی روبه‌روست



نیست، زیرا رشد هزینه‌های زندگی از رشد دستمزدها پیشی گرفته‌است.

شکاف حقوق و هزینه زندگی

در گزارش جاب‌ویژن، تفاوت‌های حقوق و دستمزد در مشاغل مختلف به‌وضوح نشان داده شده‌است. این تفاوت‌ها صرفاً اختلاف در سطح تخصص نیست، بلکه بازتابی از ساختار نابرابر بازار کار و سهم نامتوازن گروه‌های مختلف از ارزش افزوده‌است. اما نکته اصلی اینجاست: حتی در مشاغلی که به‌ظاهر حقوق بالاتری دارند، فشار هزینه‌های زندگی به‌قدری افزایش یافته که «بالا بودن عدد» الزاماً به معنای رفاه نیست. یک کارمند یا متخصص که در تهران یا کالاشهرها کار می‌کند، اگرچه ممکن است حقوقی بالاتر از میانگین دریافت کند، اما با هزینه‌های سنگین مسکن، حمل‌ونقل، خوراک، درمان و آموزش مواجه است؛ هزینه‌هایی که در سال‌های اخیر جهش قابل توجهی داشته‌اند. به همین دلیل، حقوق اسمی بالاگاهی تنها برای «ادامه بقا» کافی است، نه برای ارتقای کیفیت زندگی.

در این میان، یکی از نقاط قوت این گزارش تفکیک داده‌ها بر اساس موقعیت جغرافیایی است. جاب‌ویژن داده‌ها را در سه گروه بررسی کرده‌است: تهران، شهرهای بزرگ مانند کرج، مشهد، اصفهان، شیراز و تبریز، و شهرهای کوچک. این تفکیک اهمیت زیادی دارد، زیرا قدرت خرید در هر یک از این فضاها معنای متفاوتی پیدا می‌کند.

در تهران، سطح دستمزدها معمولاً بالاتر است، اما هزینه

هر سال، در آغاز تقویم، عددی تازه وارد زندگی میلیون‌ها شاغل می‌شود؛ عددی که شورای عالی کار به‌عنوان حقوق و حداقل دستمزد تصویب می‌کند، روی فیش‌های حقوقی می‌نشیند، در پیامک‌های بانکی ظاهر می‌شود و برای چند روز، هم‌زمان بار امید و اضطراب را در محاسبات خانوارها جابه‌جا می‌کند. اما مسئله اصلی هیچ‌گاه خود این عدد نیست. پرسش واقعی این است که این رقم تا کجای ماه دوام می‌آورد. واقعیت امروز بازار کار ایران نه بیکاری مطلق است و نه بی‌درآمدی کامل، بلکه وضعیتی است که می‌توان آن را «اشتغال بدون امنیت معیشتی» نامید؛ جایی که کار وجود دارد، درآمد وجود دارد، اما ثبات و آسودگی معیشت به‌طور مستمر فرسوده می‌شود. در این میان، هرچند حقوق‌ها افزایش می‌یابند، هم‌زمان هزینه مسکن، خوراک، درمان و حمل‌ونقل نیز شتاب می‌گیرند و نتیجه آن است که رشد اسمی دستمزدها در عمل با فرسایش قدرت خرید خنثی می‌شود. در چنین زمینه‌ای، گزارش‌های بازار کار تنها یک جدول آماری نیستند، بلکه به ابزاری برای سنجش فاصله میان ادراک عمومی و واقعیت‌های اقتصادی تبدیل می‌شوند. گزارش حقوق و دستمزد ۱۴۰۵ پلتفرم کاریابی جاب‌ویژن نیز بیش از آنکه مجموعه‌ای از اعداد باشد، تصویری از وضعیت واقعی بازار کار ایران ارائه می‌دهد؛ تصویری برخاسته از تجربه بیش از ۱۰۰ هزار شاغل در سراسر کشور که شکاف میان «حقوق اسمی» و «قدرت خرید واقعی» را آشکار می‌کند. یافته اصلی این گزارش روشن است: در بسیاری از مشاغل، افزایش حقوق لزوماً به معنای بهبود معیشت

پلتفرم‌های کاریابی و تحول بازار کار

گسترش پلتفرم‌های کاریابی آنلاین، بازار کار را از ساختار سنتی خارج کرده و به سمت شفافیت داده‌محور سوق داده‌است

پلتفرم‌های کاریابی آنلاین در سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های بازار کار تبدیل شده‌اند. این پلتفرم‌ها با اتصال مستقیم کارجویان و کارفرمایان، جریان اطلاعات در بازار کار را شفاف‌تر می‌کنند و امکان تحلیل دقیق‌تر از وضعیت عرضه و تقاضای نیروی کار را فراهم می‌سازند. در بسیاری از کشورها، داده‌های تولیدشده در این پلتفرم‌ها نه تنها برای استخدام و انعقاد قرارداد کار استفاده می‌شود، بلکه به‌عنوان یکی از منابع مهم برای تحلیل سطح دستمزدها و حتی سیاست‌گذاری در حوزه حداقل دستمزد مورد توجه قرار گرفته‌است.

پلی میان بازار کار و دستمزد

یکی از دلایل اهمیت پلتفرم‌های کاریابی، کاهش عدم تقارن اطلاعات در بازار کار است. در بازارهای سنتی، کارجویان معمولاً اطلاعات محدودی درباره فرصت‌های شغلی و سطح واقعی دستمزدها دارند و کارفرمایان نیز برای یافتن نیروی کار مناسب با محدودیت‌هایی مواجه هستند. پلتفرم‌های کاریابی با جمع‌آوری و انتشار اطلاعات درباره فرصت‌های شغلی، مهارت‌های موردنیاز و میزان دستمزد پیشنهادی، این فاصله اطلاعاتی را کاهش می‌دهند. در نتیجه، بازار کار کارا تر عمل می‌کند و تطبیق میان نیروی کار و شغل مناسب سریع‌تر و دقیق‌تر صورت می‌گیرد.

علاوه بر این، داده‌های انبوهی که در این پلتفرم‌ها تولید می‌شود می‌تواند

جامعه در ارتباطند، هنوز از امنیت و دستمزد کافی برخوردار نیستند؟

قدرت خرید و واقعیت معیشت

اگر این گزارش را از زاویه قدرت خرید بررسی کنیم، باید پرسید با این حقوق‌ها دقیقاً چه میزان از سبد معیشت پوشش داده می‌شود. در شرایطی که اجاره مسکن، خوراک، درمان و آموزش هر سال افزایش می‌یابد، عدد حقوق ماهانه بیش از آنکه شاخص رفاه باشد، به شاخص «تاب‌آوری مالی» تبدیل شده‌است. برای بسیاری از شاغلان، حقوق ماهانه صرفاً هزینه‌های ضروری را پوشش می‌دهد. به این معنا که فرد شاغل است، اما همچنان در وضعیت «ناپایداری معیشتی» قرار دارد. این همان پدیده‌ای است که در زبان عمومی می‌توان آن را «فقیر شاغل» نامید؛ کسی که کار می‌کند، اما کارش برای‌رهایی از فشار اقتصادی کافی نیست. گزارش جاب‌ویژن به‌طور مستقیم از این اصطلاح استفاده نمی‌کند، اما داده‌های آن چنین واقعیتی را تأیید می‌کند. هرگاه فاصله میان حقوق و هزینه زندگی افزایش یابد، اشتغال به‌تنهایی ضامن امنیت اقتصادی نخواهد بود. در این میان، چالش معیشت در چند لایه بروز می‌کند. نخست، در بی‌ثباتی درآمد واقعی؛ یعنی حتی اگر حقوق اسمی افزایش یابد، در شرایط تورمی، ارزش واقعی آن کاهش می‌یابد. دوم، در هزینه سنگین مسکن، به‌ویژه در کلان‌شهرها، جایی که اجاره‌خانه‌مهم‌ترین عامل فرسایش قدرت خرید است. سوم، افزایش هزینه خوراک و حمل‌ونقل که بخش قابل توجهی از حقوق را به خود اختصاص می‌دهد.

فشار هزینه‌های ضروری زندگی

هزینه‌های درمان و آموزش نیز در لایه‌های بعدی این چالش قرار می‌گیرند؛ حوزه‌هایی که به‌تدریج از سبد خانوارهای کم‌درآمد حذف یا کوچک می‌شوند. در کنار این عوامل، ناهم‌ترازی میان مهارت و مزد نیز مسئله‌ای جدی است؛ به گونه‌ای که برخی مشاغل با وجود بار تخصصی یا اجتماعی بالا، دستمزد متناسب دریافت نمی‌کنند. با این توصیف، گزارش جاب‌ویژن صرفاً درباره «بازار حقوق» نیست، بلکه از بحران ساختاری معیشت در بازار کار ایران پرده برمی‌دارد. این گزارش نشان می‌دهد بازار کار از نظر دستمزدی، ساختاری چندپاره و نابرابر دارد. در حالی که برخی مشاغل تخصصی دیجیتال و فنی در وضعیت بهتری قرار دارند، بخش بزرگی از مشاغل خدماتی، آموزشی، درمانی و کارگری همچنان با شکاف جدی میان دستمزد و هزینه زندگی مواجه‌اند. به بیان ساده، افزایش حقوق در بسیاری از موارد الزاماً به معنای بهبود معیشت نیست. در نهایت، بحران اصلی نه صرفاً میزان حقوق، بلکه فاصله میان حقوق و هزینه واقعی زندگی است. تازمانی که این فاصله کاهش نیابد، حتی شاغلان تمام‌وقت نیز در معرض فشار، اضطراب و ناپایداری اقتصادی باقی خواهند ماند. در چنین شرایطی، حقوق بیش از آنکه ابزار رفاه باشد، به سپری موقت برای عبور از ماه تبدیل می‌شود.

زندگی نیز به‌مراتب بیشتر است. در عمل، حقوق بالاتر در تهران اغلب صرف اجاره مسکن و هزینه‌های پایه می‌شود. در شهرهای بزرگ، وضعیت کمی متعادل‌تر به نظر می‌رسد، اما فاصله دستمزد با هزینه‌ها همچنان بالاست. در شهرهای کوچک نیز اگرچه مخارج روزمره کمتر است، اما سطح حقوق‌ها پایین‌تر می‌ماند و همین موضوع باعث می‌شود شکاف معیشتی همچنان پابرجا بماند. نتیجه این وضعیت آن است که نه حقوق بالا در تهران لزوماً رفاه می‌آورد، و نه حقوق پایین‌تر در شهرهای کوچک الزاماً معیشت را قابل تحمل می‌کند.

شکاف میان مهارت و مزد

یکی از پیام‌های پنهان اما مهم گزارش، نابرابری در ارزش‌گذاری مهارت‌هاست. برخی حوزه‌ها مانند توسعه نرم‌افزار، امنیت شبکه و برنامه‌نویسی در سطح حقوقی بالاتری قرار دارند. این وضعیت نشان می‌دهد بازار، مهارت‌های کمیاب و درآمدزای دیجیتال را بهتر قیمت‌گذاری می‌کند؛ اما در مقابل، مشاغل خدماتی، آموزشی، درمانی و کارگری اغلب در سطحی پایین‌تر از نیازهای واقعی زندگی قیمت‌گذاری می‌شوند. آموزش و تدریس، باریستا/گارسون، پژوهش، پرستار/دستیار پزشک/اتکنسین درمان و متخصص ایمنی کار، هرچند در ظاهر ممکن است «شغل رسمی» محسوب شوند، اما از منظر معیشتی غالباً با فشار شدید هزینه‌ها روبه‌رو هستند. اینجا یک پرسش مهم مطرح می‌شود: چرا مشاغلی که مستقیماً با سلامت، آموزش و کیفیت زندگی

شغلی تحلیل شده‌است. با این حال، نقش این پلتفرم‌ها در ایران هنوز به سطحی نرسیده‌است که بتوانند به‌طور رسمی در تعیین حداقل دستمزد مورد استفاده قرار گیرند. یکی از دلایل این مسئله محدود بودن پوشش آنهاست؛ زیرا بخش قابل توجهی از بازار کار ایران، به‌ویژه در بخش‌های غیررسمی یا مشاغل کم‌مهارت، هنوز خارج از این پلتفرم‌ها فعالیت می‌کند. همچنین در بسیاری از آگهی‌های شغلی، دستمزد به‌صورت دقیق اعلام نمی‌شود و عباراتی مانند «توافقی» یا «طبق قانون کار» درج می‌شود که تحلیل داده‌ها را دشوار می‌کند.

تجربه جهانی پلتفرم‌های داده‌محور

در مقابل، در برخی کشورها پلتفرم‌های کاریابی نقش بسیار پررنگ‌تری در ساختار بازار کار دارند. برای مثال در ایالات متحده، پلتفرم‌هایی مانند Indeed و LinkedIn نه تنها ابزار اصلی جست‌وجوی شغل محسوب می‌شوند، بلکه به پایگاه‌های بزرگ داده درباره دستمزد تبدیل شده‌اند. کاربران می‌توانند اطلاعات حقوق و مزایای خود را به‌صورت ناشناس ثبت کنند و در نتیجه، تخمین‌های نسبتاً دقیقی از میانگین دستمزد در صنایع و شهرهای مختلف ارائه می‌شود. پژوهشگران و حتی برخی نهادهای دولتی از این داده‌ها برای تحلیل روندهای بازار کار استفاده می‌کنند.

اشتغال



A T I V E N O

یادداشت
O P I N I O N



محسن باقری

عضو گروه کارگری شورای عالی کار

ضرورت بازنگری مزد در نیمه نخست سال

بحث دستمزد کارگران در سال جاری را نمی‌توان جدا از شرایط اقتصادی کشور و روند پرشتاب افزایش قیمت‌ها تحلیل کرد. اگرچه در ابتدای سال افزایش ۶۰ درصدی حداقل دستمزد به تصویب رسید، اما همان زمان نیز نمایندگان کارگری در شورای عالی کار تأکید داشتند این افزایش به‌تنهایی نمی‌تواند پاسخگوی فشارهای معیشتی موجود باشد. امروز و با گذشت چند ماه از سال، شواهد اقتصادی نشان می‌دهد این نگرانی‌ها بی‌دلیل نبوده و ضرورت ترمیم دستمزد بیش از گذشته احساس می‌شود.

در کنار موضوع دستمزد، یکی از مسائل مهم این روزها پرداخت مابه‌التفاوت حق مسکن کارگران است. افزایش ۳ میلیون تومانی حق مسکن در مصوبات شورای عالی کار و هیأت دولت به‌صراحت قید شده و این افزایش از ابتدای سال یعنی فروردین‌ماه باید اعمال شود. بر اساس اطلاعات موجود، سازمان تأمین اجتماعی نیز در محاسبه حق بیمه کارگران این افزایش را لحاظ کرده و از این نظر مشکلی وجود ندارد. بنابراین انتظار می‌رود کارفرمایان مابه‌التفاوت حق مسکن را همراه با حقوق اردیبهشت‌ماه به کارگران پرداخت کنند تا این بخش از مصوبه مزدی به‌طور کامل اجرا شود.

با این حال مسئله اصلی همچنان قدرت خرید کارگران است. در جریان تعیین مزد سال ۱۴۰۵، نمایندگان کارگری بارها هشدار دادند که آثار تورمی برخی سیاست‌های اقتصادی، به‌ویژه حذف ارز ترجیحی، در ماه‌های بعد آشکار خواهد شد. متأسفانه

همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، روند افزایش قیمت‌ها نه تنها متوقف نشد بلکه در بسیاری از کالاهای اساسی تشدید شد. این در حالی است که در زمان تعیین مزد، برخی مسئولان اقتصادی معتقد بودند تورم در مسیر نزولی قرار خواهد گرفت. اکنون واقعیت‌های بازار نشان می‌دهد که این پیش‌بینی‌ها با آنچه در اقتصاد رخ داده فاصله قابل توجهی داشته‌است. در همین اساس در مذاکرات مزدی سال گذشته توافق شد که اگر شرایط اقتصادی به گونه‌ای پیش برود که قدرت خرید کارگران بیش از حد کاهش یابد، شورای عالی کار در نیمه نخست سال دوباره موضوع دستمزد را بررسی کند. هدف از این توافق آن بود که دستمزد بتواند حداقل همان نسبت از سبد معیشت را پوشش دهد که در سال گذشته پوشش می‌داد. اما حتی با افزایش ۶۰ درصدی دستمزد نیز ارزش واقعی آن نسبت به سال قبل کاهش یافت و همین موضوع ضرورت بازنگری در مزد اردوچندان می‌کند. اکنون انتظار جامعه کارگری این است که وعده‌های داده شده عملی شود. تشکیل کمیته دستمزد و برگزاری جلسات شورای عالی کار باید هرچه سریع‌تر در دستور کار قرار گیرد تا با بررسی دقیق نرخ تورم و تغییرات قیمت‌ها، درباره ترمیم دستمزد تصمیم‌گیری شود. در این میان، افزایش برخی مؤلفه‌های مزدی مانند حق تاهل و بن کارگری نیز می‌تواند بخشی از فشار معیشتی را کاهش دهد؛ چراکه این دو بخش جزو اجزای اصلی دریافتی کارگران محسوب می‌شوند.